

سبک های هنری به ترتیب تاریخ :

. رنسانس

. منریسم (شیوه گری)

. باروک

. رمانتیک

. سمبولیسم

. نئوکلاسیک

. رئالیسم

. امپرسیونیسم

. نیو امپرسیونیسم

. پست امپرسیونیسم

. فوونیسم

. اکسپرسیونیسم

. آبستره اکسپرسیونیسم

. کوبیسم

. فوتوریسم

. دادائیسم

. انتزاعی یا آبستره

. کانستراکتیسم

. سو رئالیسم

. آپ آرت

. فتو رئالیسم

. آبستره اکسپرسیونیسم

. پاپ آرت

. هنر مفهومی (کسینجرئال آرت)

. مینچال آرت

. پرفورمنس

. پست مدرنیسم و میلیمال آرچند

بیزانس Byzantine

این هنر با فلسفه‌ی مسیحیت شروع می‌شود، متعلق به فرهنگ ابتدایی مسیحیت است، کاملاً در اختیار کلیسا می‌باشد و به وسیله‌ی کلیسا نیز کنترل می‌شود. رنگ‌های مجذوب‌کننده در قالبی بدوی و معنویت در هنر، هدف عمده‌ی هنرمند این دوره می‌باشد. هنر «بیزانس» از سال ۳۳۰ میلادی، هم‌زمان با استقلال روم شرقی و به پایتختی «قسطنطنیه» شکل می‌گیرد. دوران طلایی این هنر قرن ۶ میلادی بوده است. مهم‌ترین اثر این دوره ساخت «کلیسای سانتا صوفیا»ست که بعدها به مسجد تبدیل شد و نام «ایاصوفیه» را به خود گرفت. هنرهایی چون موزاییک، نقاشی دیواری (فرسک)، تصویرسازی کتاب‌های مذهبی از جمله «انجیل» و نقاشی روی چوب (شمایل‌سازی) در این دوره رایج بوده‌اند. ساخت کلیساها در این دوره، تبدیل همان معابد رومی «باسیلیکا» با پلان مستطیل‌شکل و معبد «پانتئون» با پلان دایره‌ای‌شکل به کلیسا می‌باشد. تبدیل این دو معبد به کلیسا در ابتدای هنر مسیحیت، الگویی برای ساخت کلیساها در کشورهای مختلف غربی شد. اساساً هنر بیزانس، هنری است که ریشه در شرق دارد و عناصر تزئینی شرق را وارد معماری غربی نمود. دو اثر مهم موزاییک در «کلیسای سن ویتال» با نام‌های «ژوستینیان و ملازمان» و «تئودورا همسر وی با ملازمانش» از مهم‌ترین آثار موزاییک این دوره می‌باشند.

رومانسک Romanesque

هنر «رومانسک» ادامه‌ی هنر «بیزانس» می‌باشد و در عین حال مقدمه‌ای بر هنر «گوتیک» است. در این دوره، قدرت کماکان در خدمت مقاصد کلیسا می‌باشد و موضوعات نقاشی عمدتاً در خدمت مذهب قرار دارند. کلیساها دارای تزئینات فوق‌العاده بوده، دارای نقاشی‌های فرسک و موزاییک می‌باشند و در آن‌ها طاق‌ها رومی کار شده‌اند. به طور کلی تقلید ساخت کلیساها با پلان «باسیلیکا» و دایره‌ای‌شکل در کشورهای نظیر آلمان، فرانسه و ایتالیا را سبک رومانسک می‌نامند. در معماری، از نمونه‌ی کلیساهای این دوره می‌توان «کلیسای سن میشل» در «هیلدشهایم» آلمان و «کلیسای پیزا» در ایتالیا همراه با برج کج «پیزا» را نام برد. در دو شیوه‌ی رومانسک و بیزانس تفاوت نمای خارجی و داخلی بسیار چشمگیر است که این امر در گوتیک جبران شده و نمای خارجی هماهنگ با نمای داخلی و تزئینات آن می‌شود.

گوتیک Gothic

از اواسط قرن ۱۲ تا ۱۶ میلادی این سبک معماری ادامه داشته است. تجارب معماران دوره‌ی «رومانسک» در این دوره باعث پیشرفت تزئینات داخلی و خارجی کلیساها می‌شود. استفاده از طاق‌های بلند و نوارهای ژیف در سقف، کشیدگی طاق‌ها و نمای داخلی و خارجی بناها، ارتفاع زیاد سقف و قوس‌های متقاطع از ویژگی‌های این سبک به شمار می‌روند. مهم‌ترین آثار این دوره «کلیسای سالزبری» در انگلستان و «کلیسای نوتردام» و «کلیسای شاتر» در فرانسه می‌باشند. در مشرق زمین، «کلیسای سنت نیکولاس» در قبرس به سبک «گوتیک» ساخته شده است.

رنسانس Renaissance

«رنسانس» در قرن ۱۵ میلادی از ایتالیا آغاز می‌شود. در این دوره مردم به فرهنگ با عظمت گذشته‌ی خویش توجه نمودند و درصدد احیای آن برآمدند. رنسانس عبارت بود از تحولاتی که از فلورانس ایتالیا شروع شد و به کشورهای دیگر نیز سرایت کرد. زنده شدن دوباره‌ی الهه‌های یونان و روم باستان در ادبیات و هنر مردم و توجه به انسان به عنوان زیباترین نمونه، الگویی برای نقاشی و مجسمه‌سازی شد. رواج فلسفه‌ی «اومانیسم» که در یونان زاده شده بود، جدا شدن معماران ایتالیایی از سبک خارجی «گوتیک» و احیای دوباره‌ی معماری رومی، در این دوره به چشم می‌خورد. «کاخ روچلای» در فلورانس و «کلیسای سنت آندره»، از آثار مهم این دوره در ایتالیا می‌باشند. «رافائل» از هنرمندان بزرگ این دوره است که علاوه بر نقاشی، معماری نیز می‌دانست. وی معمار «کلیسای سن پیر» بوده است. در این دوره ساخت ویلاها و خانه‌های ییلاقی نیز رواج پیدا کرد. «دوناتللو» (پیکره‌ساز) با «پیغمبر کله‌کدو» و «فرا‌فیلیپولیپی»، «جوئو» و «مازاتچو» از نقاشان رنسانس اولیه و «میکل آنژ»، «لئوناردو داوینچی» و «رافائل» در مرحله‌ی اوج رنسانس یعنی قرن ۱۶، از برجسته‌ترین هنرمندان این دوره به شمار می‌رفتند.

باروک Baroque

هنر قرن ۱۷ و نیمه‌ی اول قرن ۱۸ میلادی متعلق به «باروک» است. پرهیز از خطوط مستقیم، استفاده از تزیینات و تجمل فراوان در معماری، استفاده از رنگ‌های درخشان به خصوص رنگ طلایی، درودگری میز و صندلی، تزیینات فراوان در هر زمینه‌ی هنری (کالسکه‌های پرزرق و برق و پرتجمل اشرافی) و نقاشی سقف کاخ‌ها و کلیساها، از خصوصیات مهم این سبک به شمار می‌روند. از هنرمندان مهم این دوره می‌توان «کاراواجو»، «آنیباله کاراچی»، «مربراند»، «نیکلا پوسن»، «ال گرکو»، «ولاسکوئز»، «تیه‌پولو»، «روبنس» و «برنینی» را نام برد.

روکوکو Rococo

این واژه به معنی «سنگ‌ریزه» است. در این سبک هنری، نمایش تزیینات فراوان توأم با جزئیات و ریزبینی‌های هنرمندانه دیده می‌شود. این سبک هنری کم‌دوام، در ضدیت با ابهت «باروک» و صلابت معنوی آن برخاست و به جای آن بر خاصیت سبکی و ریزنقشی با تزیینات فراوان ریز و فرح‌انگیز افزود. «روکوکو» به طور متمرکز در انگستان و فرانسه انجام شد. از نقاشان این سبک می‌توان به «آنتوان واتو» (که هدفش به زوال کشیدن اشرافیت بود)، «ژان شاردن» (اثر مهمش بازگشت از بازار است)، «ویلیام هورگارث» (ازدواج مد روز از معروف‌ترین کارهای وی است)، «گینز بارو» (که توجه مخصوصی به اشراف داشت) و «بانو گراهام شریف» اشاره کرد.

رمانتیک Romanticism

انقلابی در هنر و فلسفه‌ی قرن ۱۸ ظهور پیدا کرد که در واکنش به کهنه‌گرایی «نئوکلاسیسم» و فردگرایی پیش از خود بود. «رمانتیسیسم» در برگیرنده‌ی الگوهای جدیدی از هستی بود. هنرمند در واکنش به مسائل اطراف خود دست به خلق آثاری می‌زند و هویتی مستقل در اجتماع پیدا می‌کند؛ هویتی منفعل در برابر اتفاقات اطراف خود. رخدادهای عاطفی، اجتماعی، سیاسی و... او را متأثر می‌کنند و خلق آثار جدید شروع می‌شود. رمانتیسیسم طغیانی بود بر علیه محدودیت‌های هنر، افکار، مفاهیم و ادراک. این هنر از فرانسه به نقاط دیگر جهان سرایت کرد. از نقاشان مهم این سبک می‌توان به «ژریکو»، «دلاکروا»، «گویا»، «کنستابل»، «ترنر» و «کامیل کورو» اشاره کرد.

رئالیسم Realism

این واژه به معنای بازنمایی واقعیت بدون دخالت احساس و عواطف است؛ بازنمایی طبیعت بدون گزینش، اصلاح و آرایش. این شیوه با «گوستاو کوربه» آغاز می‌شود. او هم‌چون دوربین عکاسی واقعیت‌های زندگی را (چه تلخ و چه شیرین) به نمایش می‌گذاشت. از هنرمندان دیگر این سبک می‌توان از «فرانسوا میله» نام برد.

امپرسیونیسم Impressionism

مهم‌ترین پدیده‌ی قرن ۱۹، این انقلاب هنری است که بعد از «رمانتیسم» دومین شورش هنری علیه قراردادهای می‌باشد. این عنوان از تابلویی اثر «مونه» به نام «امپرسیون» (طلوع آفتاب) اقتباس شد که نخستین بار در نمایشگاهی از آثار هنرمندانی شامل «رنوار»، «سیسلی»، «پیسارو» و «سزان» به نمایش گذاشته شده بود. اساس کار «امپرسیون»ها بر بازی با نور و تغییر رنگ‌ها در شرایط مختلف نوری استوار بود. ثبت لحظه‌ای از موضوع و عقیده‌ی آن‌ها مبنی بر تغییر رنگ‌ها در اوقات مختلف روز، باعث خلق آثاری شد که بسیار درخشان و در عین حال ناواضح بودند. استفاده‌ی کم‌تر از رنگ‌های تیره و مخلوط نکردن رنگ‌ها بر روی پالت، از ویژگی‌های مهم این سبک هنری می‌باشند. از هنرمندان دیگر این سبک می‌توان «لوترک»، «دگا»، «گوگن»، «ون‌گوگ»، «سورا» و «سینیاک» را نام برد که هر یک از این نقاشان امپرسیون در روند کار خود یک‌سان نماندند و کم‌کم هر کدام از آن‌ها شیوه‌ای شخصی در نقاشی خود پیدا کردند که سرآغازی بر پیدایش سبک‌های دیگر بود.

نئوامپرسیون Neo-impressionism

این سبک هنری که دنباله‌روی «امپرسیون»ها بود، در نیمه‌ی راه از آن‌ها جدا شده و سبکی مستقل پدید آورد. نقاشان امپرسیون هر کدام ایده‌ای جدید و تازه نسبت به نقاشی داشتند و همین امر باعث پیدایش سبک‌های بعدی و شجاعت هنرمندان در ارائه‌ی نظریات جدید آن‌ها شد. «پل سزان»، از معروف‌ترین نقاشان این سبک جدید امپرسیون بود که در ارائه‌ی آثار طبیعت بی‌جان خود، نوآوری‌های جدیدی را ابداع نمود. «سورا» و «سینیاک» با سبک نقطه‌گذاری خود در دوره‌های بعد مبدع شیوه‌ی «پوانتیلیسم» (نقطه‌پردازی) بودند. این سبک‌های جدید امپرسیون بر هنرمندان بزرگ بعدی یعنی «گوگن» و «ون‌گوگ» تأثیر زیادی گذاشت و «لوترک» نیز در این زمینه بی‌تأثیر نماند. او چاپ‌های زیادی انجام داد که بیش‌تر به چاپ‌های ژاپنی نزدیک بود.

سمبولیسم Symbolism

«گوگن»، از نقاشان «امپرسیون»، در شیوه‌ی شخصی خود یک سری تابلو به صورت سمبلیک و نمادین از «هائیتی» ارائه داد که نقاشان دیگر از او الهام گرفتند و بدین ترتیب این جریان هنری شکل گرفت. «سمبولیست»ها هنرمندانی رمزگرا بودند و نقاشی را برای بیان احساسات درونی خود انتخاب کردند و سبکی مشخص پدید آوردند که در حد درک همگان نبود. این شیوه‌ی هنری با شعار «هنر برای هنر» عجین شده بود. «ماتیس»، «مارکه» و «روثو» از هنرمندان این سبک می‌باشند. «هانری روسو» نیز از نقاشان سمبولیست بود که «کولی خفته» از آثار مهم وی به شمار می‌رود.

فویسم Fauvism

واژه‌ی «فو» به معنای «وحشی» است. این عنوان به عده‌ای از نقاشان نوآور در نمایشگاهی در پاریس داده شد که رنگ‌ها را با مایه‌های تند و وحشیانه در ضدیت با سلیقه‌ی مردم آن زمان به کار بردند. از نام‌آوران این سبک «ماتیس»، «مارکه»، «فریس»، «آندره درن» و «ولامینک» بودند. از مشخصات این سبک هنری می‌توان به خطوط ساده و سیاه در اطراف اشیا و اشکال و به‌کارگیری عناصر تزئینی که ریشه در ویترای کلیساهای دوره‌ی «گوتیک» داشتند، اشاره کرد. «گوگن» و «ون‌گوگ» را نیز بعدها در زمره‌ی این سبک به حساب آوردند، اما امپرسیون‌ها را جزء این گروه نمی‌دانستند. ماتیس به طور مشخصی در این سبک هنری کار می‌کرده است.

کوبیسم Cubism

پدر این شیوه را می‌توان به حق «سزان» دانست. این شیوه با «پرده‌ی دوشیزگان آوینیون» اثر «پیکاسو» پایه‌گذاری شد. اصول اصلی این هنر در بازنمایی واقعیت ذاتی و ادراکی هنرمند بر برش‌های هندسی موضوع و اشیا استوار است. به هم زدن نقطه‌ی دید ثابت هنرمند در موضوع و چند دید از چند نقطه، تحلیل‌های هندسی از فضا و شکل، توجه به حجم و محدودیت رنگی، رنگ‌های تخت و ثابت، گزینش از یک مایه‌ی رنگی در کل اثر و برش‌های هندسی، از مشخصات دیگر این سبک هنری می‌باشد. «فرنان لژه»، «مارسل دوشان» و «خوان گری»، از پیروان «پیکاسو» در این سبک هنری می‌باشند.

فتوریسم Futurism

این سبک در ابتدا سبکی ادبی به شمار می‌رفت، اما بعدها در دامنه‌های دیگر هنر نیز کشیده شد. در نقاشی، «فتوریست»ها تحلیل‌گرایی «کوبیسم» را در خدمت نشان دادن سرعت و ماشین‌بیسیم به کار گرفتند. از نقاشان این دوره «بوتچونی»، «کارا»، «سورینی» و «مارتینی» بودند. آن‌ها درصدد بیان زندگی امروزی که در بند آهن، فولاد، نخوت و سرعت جنون‌آمیز است، بودند تا بتوانند آن را با شیوه‌ای هنری ارائه دهند. این نهضت با پایان جنگ جهانی اول رو به زوال رفت.

اکسپرسیونیسم Expressionism

بیان هیجانات و آشفتگی درونی و روانی هنرمند از طریق احساسات هنری می‌باشد. «ون‌گوگ» را پدر «اکسپرسیونیسم» می‌دانند. بعدها نقاشانی چون «کوکوشکا»، «امیل نولده»، «کرشنر» و «مونش» به روشنی این شیوه را در آثارشان معرفی کردند. شکل‌های ساده شده و بیان احساسی از طریق کنتراست، از مشخصات هنرمندان این سبک می‌باشند. «ماکس بکمن»، «ژرژ گروز»، «کته کل‌ویتس» و «فرانسیس بیکن»، از هنرمندان این سبک هنری می‌باشند.

سورئالیسم Surrealism

«سورئالیسم» عبارت است از فرای واقعیت و در هم آمیختگی واقعیت و رؤیا در آثار هنرمند. سورئالیست‌ها ترکیبی غیرواقعی از عناصر واقعی جهان امروزی پدید می‌آورند که نوعی توهم تب‌زای هنرمند می‌باشد. از هنرمندان این سبک می‌توان «سالوادور دالی»، «رنه ماگريت»، «جاکومتی» و «شاگال» را نام برد.

دادائیسم Dadaism

«دادائیسم» بر نفی ارزش‌ها استوار بود. دادائیست‌ها هرگونه تحلیل هنری و یا قوانین «کلاسیک» را به مسخره می‌گرفتند و به پوچ‌گرایی رسیده بودند. این مکتب ضد هنری «دادا» نام داشت و هنرمندان دیگر نیز کم‌کم به آن پیوستند. «تزارا»، «هوغوبال»، «آرپ» و «پیکابیا» همراه با «مارسل دوشان» که سبیلی بر «مونالیزا» اضافه کرد، از هنرمندان این دوره می‌باشند.

انتزاع یا آبستره Abstract

واژه‌ی «آبستره» به معنای گنگ، مبهم و تار است و در مورد سبک هنری معنی تجرید و انتزاع می‌دهد. این واژه در مورد هنرمندانی به کار رفت که آثارشان هیچ شباهتی به واقعیت نداشت و هدفشان شکستن سنت‌های جاافتاده‌ی قدیمی بود. کلی‌نمایی و دور بودن از ارائه‌ی جزئیات و خصوصیات فردی، از مشخصات این هنر می‌باشند. «موندریان»، «استلا»، «کاندینسکی» و «اسمیت» از هنرمندان این دوره هستند. این هنر به طور کلی فاقد موضوع خاصی است و بیش‌تر بر فرم و رنگ استوار است.

کنستراکتیویسم Constructivism

«ساختارگرایی حجمی» معنی می‌دهد، ولی در زمینه‌ی نقاشی نیز استفاده می‌شود و عبارت است از ترکیب فرم ساختمان‌ها و ساختارهای حجمی در کنار هم. «کنستراکتیویست»ها معتقدند بودند هنر باید بازتاب تمدن باشد و بر همین اساس از مصالح نوین نظیر ورقه‌ی فلزی، پلاستیک و سیم در آثارشان استفاده می‌کردند. در این شیوه عاطفه و احساس نقشی فرعی دارند. «نائوم گابو»، «ولادیمیر تاتلین» و «پوسنر» از هنرمندان این دوره می‌باشند.

اپتیکال آرت Optical Art

برخورد علمی در هنر انتزاعی در دهه‌ی ۱۹۶۰، انگیزه‌ی اصلی پدیدآورنده‌ی «اپ آرت» بود؛ با این منظور که هنرمند می‌تواند تأثرات چشمی به وجود بیاورد که موجب خلق اشکال شود و این تأثیرات ایجاد حرکت و نقوش خاصی را بنماید. «بریزیت رایلی»، «وازارلی» و «خولیو پارک»، از هنرمندان این دوره هستند.

پاپ آرت Pop Art

یا «هنر مردمی» که عبارت است از خلق آثاری با استفاده از دست‌ساخته‌ها، عکس‌ها، ورقه‌های تبلیغاتی و وسایلی از این قبیل که نوعی «کلاژ» به حساب می‌آید. «پائولو لوزی» و «هامیلتون» از بنیان‌گذاران این هنر می‌باشند.

معرفی سبک های مختلف نقاشی

۱- رئالیسم «واقع گرایی»

۲- امپرسیونیسم «برداشت گرایی»

۳- پست امپرسیونیسم

۴- نئو امپرسیونیسم

۵- اکسپرسیونیسم

۶- اکسپرسیونیسم انتزاعی

۷- کوبیسم «حجم گری»

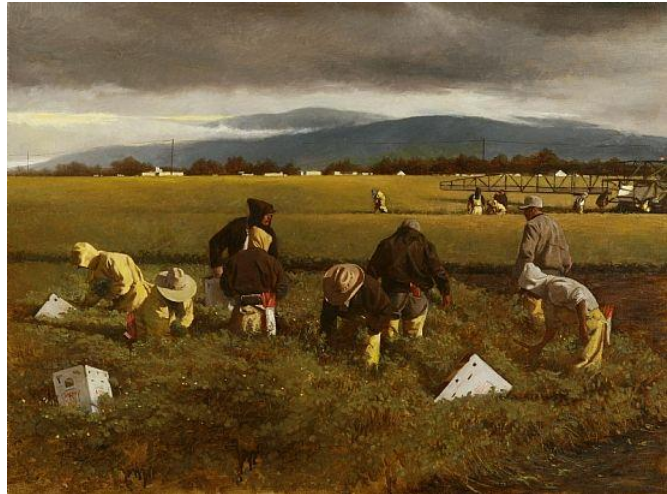
۸- فوتوریسم

۹- ورتیسیسم

۱۰- رومانتیسیسم

سبک رئالیسم

رئال یعنی واقعی و رئالیسم به معنی واقعی گری و حقیقت گرایی نوعی گرایش هنری است که اشیاء و موجودات را آنگونه که هستند زشت را زشت و زیبا را زیبا ترسیم می نمایند. سبک نقاشی رئالیسم نقطه مقابل سبک رومانتیک قرار دارد.



رئال یعنی واقعی و رئالیسم به معنی واقعی گری و حقیقت گرایی نوعی گرایش هنری است که اشیاء و موجودات را آنگونه که هستند زشت را زشت و زیبا را زیبا ترسیم می نمایند. سبک نقاشی رئالیسم نقطه مقابل سبک رومانتیک قرار دارد.



نام باران در جنگل بلوط اثر ایوان شیشکین نقاش برجسته روس

سعی هنرمند نقاش رئالیسم در این است که موضوعات منتخب را بدون کم و کاست و شیرین کاری و عوام فریبانه شدن طرح در ذهن بیننده، ترسیم کند و تخیلات غیرواقعی نیافریند و شعار ندهد. مبنای کار آنان صادقانه نگری و صادقانه اندیشیدن است. معروف ترین و اصلی ترین هنرمند سبک رئال، گوستاو کوربه، نقاش فرانسوی بود. کوربه میگوید هدفم این بوده است که بتوانم رسوم، اندیشه ها و ظواهر را آن چنان که به چشم می بینم شبیه سازی کنم.

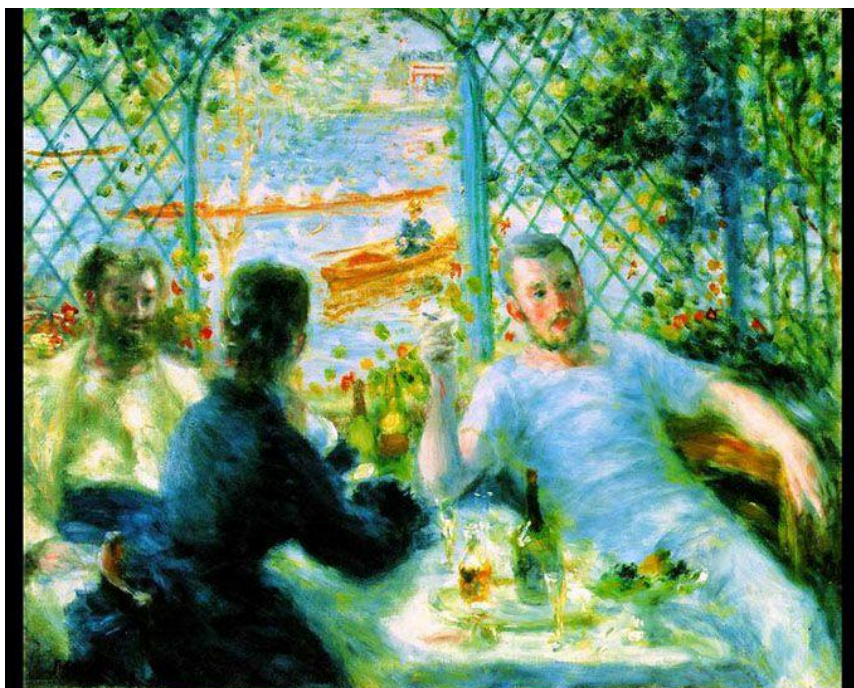


تابلوی رنگ روغن اثر گوستاو کوربه بنام سنگ شکنان

همچنین او می‌گوید: من اصلاً نمی‌توانم فرشته‌ای را بکشم که وی را هرگز ندیده‌ام. فرشته را نشانم دهید تا بتوانم تابلویی از پیکرش بکشم. این نقطه مقابل «رومانتیسیم» است. دیگر نقاشان مشهور این سبک در اروپا: ژان فرانسوا میله، انوره دومیه، ادوارد مانه و هنرمندان مشهور روسی: ایوان شیشکین، ایلیار پین، کرامسکوی، می باشند.

برداشت گرایی یا امپرسیونیسم «به فرانسوی Impressionnisme» :

شیوه هنری گروه بزرگی از نگارگران آزاداندیش و نوآور فرانسه در نیمه دوم سده نوزدهم بود که به زودی جهانگیر شد. این شیوه مبتنی است بر نشان دادن دریافت و برداشت مستقیم هنرمند از دیده‌های زودگذر با بکار بردن لخته رنگ‌های تجزیه شده و تابناک برای نمایش لرزش‌های نور خورشید. در این روش اصول مکتبی طراحی دقیق و سایه روشن کاری و ژرفانمایی «پرسپکتیو» فنی و ترکیب بندی متعادل و معمارانه رعایت نمی‌شود.



صبحانه قایقرانان اثری از پیر آگوست

شیوه برداشت گرایي بعنوان انجمنی خصوصی از سوی گروهی از هنرمندان ساکن پاریس آغاز شد و این انجمن در سال ۱۸۷۴ به نمایش همگانی آثار خود پرداخت. نام این جنبش از نام یک نقاشی از کلود مونه بنام برداشت گرایي، طلوع خورشید «به فرانسوی «Impression, soleil levant» گرفته شده است. نام امپرسیونیسم را نقادی بنام لویی لروی در یک نقد هجوآمیز ساخت. امپرسیونیسم همچنین نام نهضتی در موسیقی است.

در این سبک نقاشان از ضربات «شکسته» و کوتاه قلم مو آغشته به رنگ‌های خالص و نامخلوط بجای ترکیب‌های ظریف رنگ‌ها استفاده میکنند. مثلاً، بجای ترکیب رنگ‌های آبی و زرد برای تولید سبز آن‌ها دو رنگ آبی و زرد را مخلوط نشده بروی بوم قرار می دهند تا رنگ‌ها - حس - رنگ سبز را در نظر بیننده به وجود بیاورد. آن‌ها در نقاشی صحنه‌های زندگی مدرن در عوض جزئیات، تأثیرات کلی واضح را نشان می دهند.

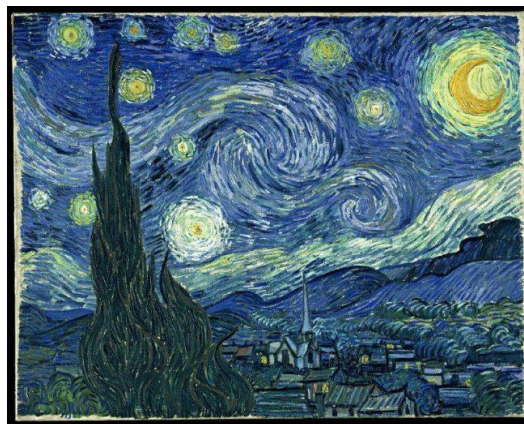
پست امپرسیونیسم. فرانسوی «Postimpressionnisme» :

جنبش هنری گسترده‌ای بود شامل مجموعه‌ای از گروه‌ها و سبک‌های نقاشی که یا در امتداد دریافتگری و یا به‌عنوان واکنشی در برابر آن، به‌وجود آمده بودند. نبی‌ها، ترکیب‌گری، مجزاگری، نشود دریافتگری از جمله گروه‌ها و سبک‌های این جنبش می‌باشند.

اصطلاح پست‌امپرسیونیست اولین بار توسط راجر فرای نقاش و منتقد بریتانیایی در عنوان نمایشگاهی به‌کار گرفته شد.

که در سال‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ در نگارخانه گرافتن لندن برگزار شد و راجر فرای آنرا مانه و پست‌امپرسیونیست‌ها نامید. پل سزان، ونسان ونگوگ و پل گوگن، از برجسته‌ترین هنرمندان این جنبش می‌باشند. شیوهٔ کار سزان به‌گونه‌ای بود که وی را هموارکنندهٔ راه برای حجم‌گری میدانند. امیل برنار، هانری روسو، تولوز لوترک، ژرژ سورا و پل سینیاک از دیگر نقاشان پسا دریافتگر می‌باشند.

هنرمندان پست امپرسیونیسم از ضرب قلم‌های تند و یک نوع تخلیه هیجانی در آثارشان استفاده می کنند. این دوره را راه گشای تحولات نقاشی قرن بیستم میدانند. شیوه پست امپرسیونیسم‌ها فردی تر از امپرسیونیسم‌ها میباشد. موضوع آثار آنها همواره از طبیعت اخذ شده بود. برخورد آنها با طبیعت به گونه‌ای تحلیل ساختاری است.



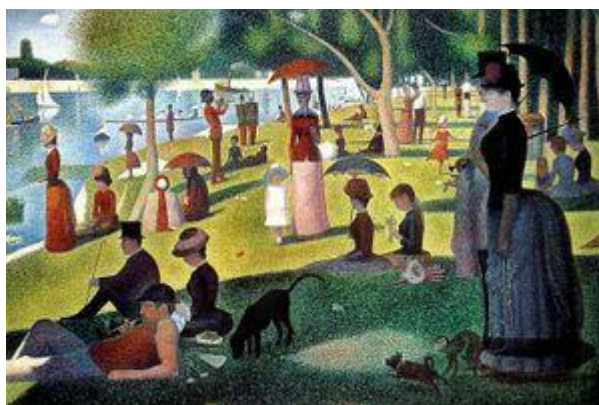
شب پر ستاره. تابلوی رنگ روغن. اثر ونسان ون گوگ

از هنرمندان این سبک می توان به سزان، ون گوگ و گوگن اشاره کرد که از این میان سزان را پدر هنر مدرن می دانند. یکی از نقاشی های این سبک شب پر ستاره اثر ونسان ون گوگ می باشد که کار رنگ روغن بر روی بوم است و به خوبی میتوان اثر هیجانات سبک پست امپرسیونیسم را مشاهده کرد کل اثر زمینه تیره دارد که نور ستاره ها روشنایی به اثر می بخشد.

نودریافتگری یا نئوامپرسیونیسم

جنبشی در نقاشی فرانسوی بود که هم ادامه دهندهٔ دریافتگری «امپرسیونیسم» بود و هم واکنشی در برابر آن. اصطلاح نئو امپرسیونیسم را فلکس فنئون منتقد فرانسوی در سال ۱۸۸۷ برای این جنبش وضع کرد. این جنبش که یکی از جنبش های پسادر یافتگری است مانند دریافتگری دل مشغول بازنمایی رنگ و نور بود، ولی برخلاف دریافتگری می کوشید که آنرا بر مبانی علمی استوار کند.

اساس نظریهٔ نودریافتگری، جداسازی گری و روش مرتبط با آن نقطه چینی بود. یعنی نقطه های مجزا با رنگ های خالص به گونه ای در نقاشی بکار برده می شوند که در صورت دیده شدن از فاصلهٔ مناسب، حداکثر شفافیت و درخشندگی رابه دست دهند. در چنین نقاشی هایی نقطه ها هم انداز ه اند و به گونه ای انتخاب میشوند که با مقیاس تابلو هماهنگی داشته باشند.



بعد از ظهر یک شنبه در جزیره گراند ژات اثر نقاش فرانسوی ژرژ سورا

ژرژ سورا برجسته ترین هنرمند این جنبش بود. پل سینیاک که نظریه پرداز اصلی آن بود و برای مدتی کامی پیسارو، دیگر هم بستگان مهم این جنبش بودند. هر سه هنرمند، تابلوهای نودریافتگری خود را در واپسین نمایشگاه دریافتگری در سال ۱۸۸۶ به نمایش گذاشتند.

فرا واقع گرایی

فرا واقع گرایی یا سوررئالیسم «به انگلیسی «Surrealism»: یکی از جنبش های هنری قرن بیستم است. سوررئالیسم به معنی گرایش به ماورای واقعیت یا واقعیت برتر است. زمانی که دادائیسم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیست ها بود گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را پی ریزی کردند.



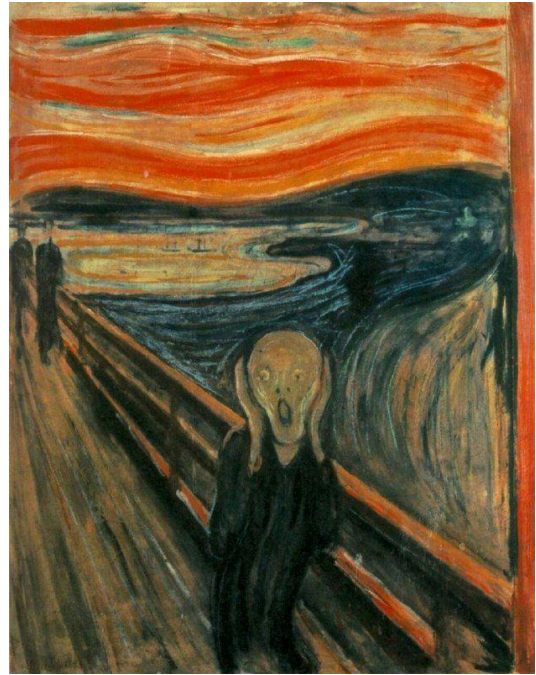
نقاشی مشهور سالوادور دالی در سبک فرا واقع گرایی یا سوررئالیسم

این شیوه درسال ۱۹۲۲ بطور رسمی از فرانسه آغاز شد و فراواقع گرایی نامیده شد. این مکتب بازتاب نابسامانیها و آشفتگی های قرن بیستم است. این جنبش در عمل با انتشار مجلهٔ انقلاب فراواقع گرا توسط برتون آغاز شد. سالوادور دالی، رنه ماگريت و لویی آراگون از جمله سور رئالیست های مشهور هستند.

هیجان‌نمایی یا اکسپرسیونیسم «به انگلیسی» Expressionism :

نام یک مکتب هنری است. در آغاز قرن بیستم، نهضت بزرگی بر ضد رئالیسم و امپرسیونیسم پا گرفت که آرام آرام مکتب «اکسپرسیونیسم» از دل آن بیرون آمد. واژهٔ اکسپرسیونیسم برای اولین بار در تعریف عده ای از نقاشی‌های «اگوست اروه» بکار رفته است. اکسپرسیونیسم جنبشی در ادبیات بود، که نخست در کشور آلمان شکوفا شد. هدف اصلی این مکتب نمایش درونی بشر، مخصوصاً عواطفی چون ترس، نفرت، عشق و اضطراب بود.

به عبارت دیگر اکسپرسیونیسم شیوه‌ای نوین از بیان تجسمی است که در آن هنرمند برای القای هیجانات شدید خود از رنگ های تند و اشکال کج و معوج و خطوط زمخت بهره میگیرد. اکسپرسیونیسم به نوعی اغراق در رنگها و شکل ها است، شیوه‌ای عاری از طبیعت گرایی که میخواست حالات عاطفی را هرچه روشنتر و صریح تر بیان نماید. دوره شکل‌گیری این مکتب از حدود سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۵ میلادی بود.



تابلو مشهور جیگ اثر ادوارد مونک یا «مونش» نقاش نروژی

ولی در کل این شیوه از گذشته‌های دور با هنرهای تجسمی همراه بوده و در دوره‌های گوناگون به گونه‌هایی نمود یافته‌است. عنوان اکسپرسیونیسم در سال ۱۹۱۱ برای متمایز ساختن گروه بزرگی از نقاشان بکار رفت که در دههٔ اول سده ی بیستم بنای کارشان را بر باز نمایی حالات تند عاطفی، و عصیان گری علیه نظامات ستمگرانه ی حکومت ها، مقررات غیرانسانی کارخانه ها و عفونت زدگی شهرها و اجتماعات نهاده بودند.

این هنرمندان برای رسیدن به اهداف خود رنگ‌های تند و مهیج و ضربات مکرر و هیجان زده ی قلم مو و شکل‌های اعوجاج یافته و خارج از چارچوب را با اینجاد ژرف‌نمایی و بدون هیچ گونه سامانی ایجاد میکردند و هر عنصری را که آرامش بخش و چشم نواز بود از کار خود خارج می کردند.

هیجان نمایی انتزاعی یا اکسپرسیونیسم انتزاعی به انگلیسی «Abstract Expressionism» :



شیوه ی هنری نوینی است که از دهه ی ۱۹۴۰ در نیویورک، متأثر از دو شیوه ُ هیجان نمایی «اکسپرسیونیسم» و فرا واقع گرایی «سورئالیسم» پا گرفت دراین طرز بیان تلاش میشود تا شکل وفضا از قید بازنمایی عینی وسنتی رها شود. بدلیل گرد هم آمدن هنرمندان این مکتب در شهر نیویورک هیجان نمایی انتزاعی گاه باعنوان مکتب نیویورک نیز شناخته می شود.



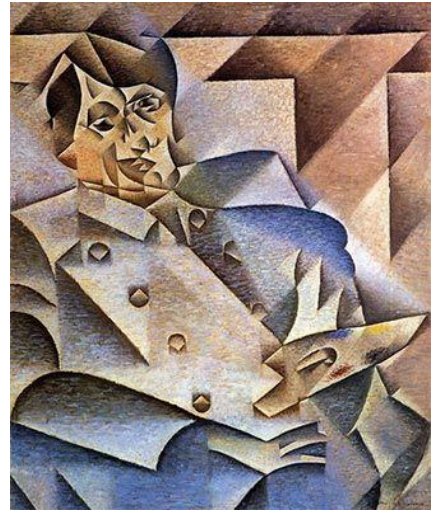
درحوزه نقاشی هیجان نمایی انتزاعی مکتبی است که درسال ۱۹۱۲ با انتشار مجله ی سوارکار آبی از مکتب هیجان نمایی ایجاد شد. پیشوایان این مکتب واسیلی کاندینسکی، پل کله و فرانز مارک در مونیخ بودند. تصویر بالا نقاشی عدد پنج «انگلیسی: یک نقاشی از جکسون پولاک، نقاش آمریکایی مشهور و درجهت تکمیل فرم جنبش اکسپرسیونیست انتزاعی است.

کوبیسم (حجم گری)

در لغت کوبیسم به معنای مکعب گری است و به شیوه ی از نقاشی گفته می شود که درسال ۱۹۰۷ پیکاسوی اسپانیایی و براک مطرح کردند. طبق معمول هنر شناسان سزان را پدر کوبیسم دانسته اند و معنقدند که یکی از عوامل بوجود آمدن این سبک جمله ی مشهور سزان است باید همه ی ی مشهودات رابه واسطه ی حجم های هندسی منظم چون استوانه وکره و مخروط رابه تصویر در آورد.

انواع کوبیسم

کوبیسم سزانی دراین نوع کوبیسم عناصر تابلو همان اشکال استوانه و مخروط و مکعب شکسته شده است و درکل موضوع تابلو مشخص است.



تحلیلی: در این کوبیسم شکل اصلی در شکلهای مکعبی حل می شود.



ترکیبی: در این کوبیسم از مواد و عناصر مختلف در تابلو ترکیب می شود.

از خواسته های نقاشان کوبیسم این بود که آن ها بتوانند علاوه بر نز مایش وجهی از شیء پشت و پهلوی آنرا نیز به نمایش بگذارند. و آثار این دوران ترکیبی از سطوح شکسته که نه تنها نشانی از شیء مورد نظر نداشت بلکه دیگر رنگ نیز در آن ها به حداقل رسید و ضعیف شده بود.

فوتوریسم

فوتوریسم یا آینده گری یکی از جنبش های هنری اوایل قرن بیستم بود. مرکز این جنبش در ایتالیا بود و در کشورهای دیگر از جمله روسیه نیز فعالیت داشتند. فوتوریست ها در تعداد زیادی از زمینه ها مانند ادبیات، نقاشی، عکاسی، مجسمه سازی، سفال گری، تئاتر، موسیقی، معماری و حتی آشپزی فعالیت داشته اند. فیلیپو تومازو مارینتی با انتشار بیانیه ی فوتوریسم در سال ۱۹۰۹ در روزنامه فیگارو فعالیت جنبش را رسماً آغاز کرد.



در آن بیانیه، مارینتی نوشته بود که فوتوریست‌ها از هنر گذشته بیزارند و دغدغه‌های اصلی این جنبش، پویایی، سرعت و تکنولوژی است. برای فوتوریست‌ها خودرو، هواپیما و شهرهای صنعتی نشانه‌های بسیار مهمی بودند چراکه آن‌ها پیروزی انسان بر طبیعت را نشان می‌دادند.

ورتیسیسم

ورتیسیسم یا دوران‌گری یک جنبش هنری کوتاه مدت بود که در اوایل قرن بیستم در بریتانیا و تحت تأثیر حجم‌گرایی و آینده‌گری به وجود آمد. نام ورتیسیسم را ازرا پاوند در سال ۱۹۱۳ به این جنبش داد، اما مهمترین هنرمند این جنبش ویندهم لوئیس بود که از یکسال قبل نیز به این سبک نقاشی می‌کرد. اگر چه دوران‌گری از درون حجم‌گری درمی‌آمد، اما به پویایی و دیگر ملاک‌های آینده‌گری نزدیک تر بود.

تفاوت اصلی دوران‌گری با آینده‌گری در شیوه‌ی نشان دادن حرکات است. در دوران‌گری زندگی مدرن به وسیله‌ی یکسری خط کلفت نشان داده می‌شود که چشم را به مرکز تابلو هدایت می‌کنند. دیگر مشخصه‌های این سبک استفاده از کمان‌ها و زاویه‌های چند گانه بر سطحی تخت، به منظور پدیدآوردن تجسمی از دوران یا القای چرخش و التهایی گرداب‌مانند است. تنها نمایشگاهی که از آثار دوران‌گرها برگزار شد در سال ۱۹۱۵ در نگارخانه - دوره - بود.

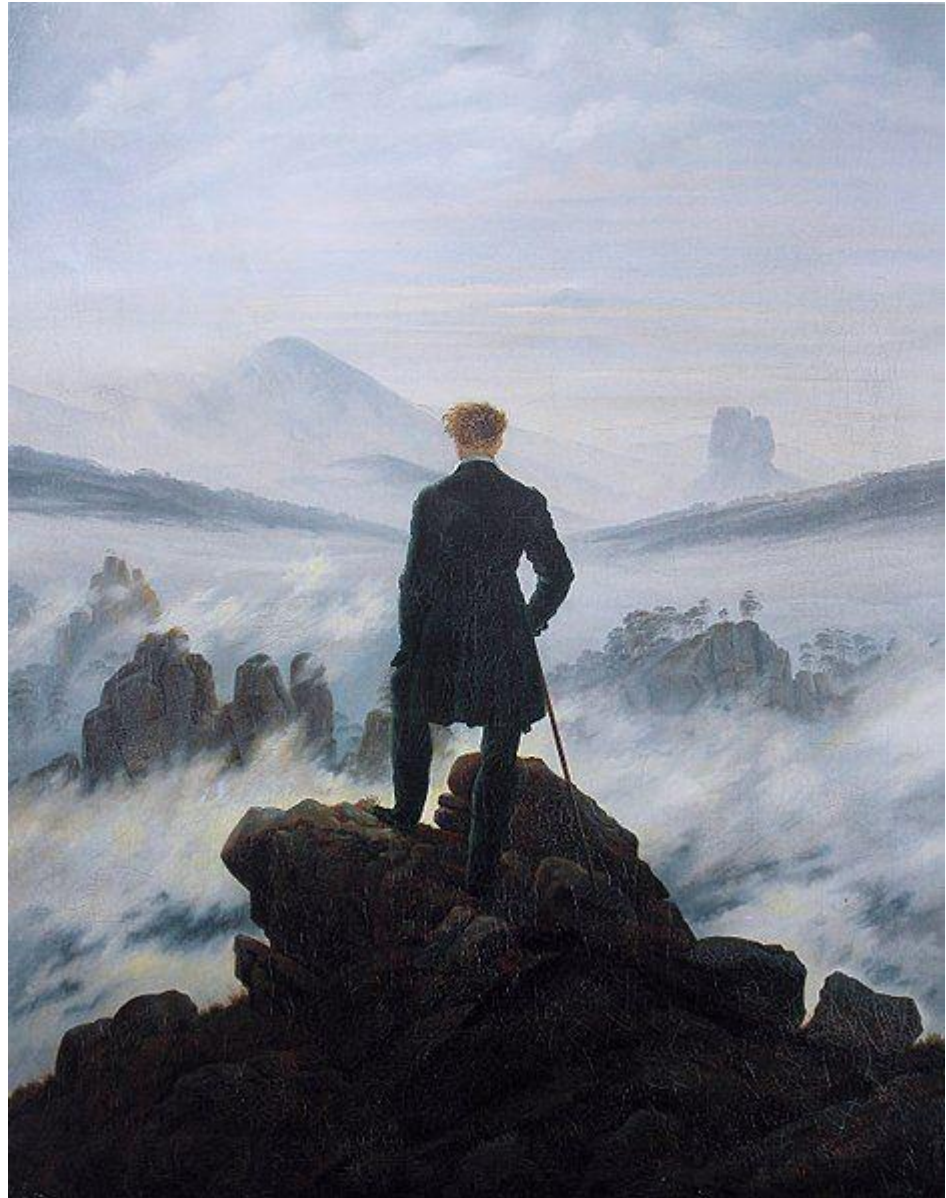


بعد از آن به خاطر جنگ جهانی اول این جنبش از میان رفت. هر چند در سال‌های بعد از جنگ گورو اِکس سعی کرد این جنبش را دوباره زنده کند، اما نتوانست. برای مدت کوتاهی آل‌وین لنگدون کابرن به این گروه پیوست. در واقع او یکسری وُرتوگراف تجربی تهیه کرد. احتمالاً اولین عکس‌های انتزاعی با استفاده از سه آئینه متصل به هم مانند کالیدوسکوپ تهیه شده‌اند.

رومانتیسم

رومانتیسیسم یا رُمانتیسم یا رمانتیسیم عصری از تاریخ فرهنگ در غرب اروپا است، که بیشتر در آثار هنرهای تجسمی، ادبیات و موسیقی نمایان شد. هنرمندان رمانتیک آزاد از چهارچوب‌های تصویرگریهای سنتی، به تحقق بخشیدن ایده‌های شخصی خود پرداختند. رمانتیسیسم را همان طور که از نامش پیداست، باید نوعی واکنش احساسی در برابر خرد محوری به‌شمار آورد.

تمایلی به برجسته کردن خویشتن انسانی، گرایش به سوی خیال و رؤیا، به سوی گذشته‌ی تاریخی و به سوی سرزمین‌های ناشناخته. از دید انسان رمانتیک، جهان به دو دسته تقسیم می‌شود: یکی دسته‌ی «خردگرا» به قول نووالیس: جهان اعداد و اشکال»، و دوم دسته‌ی احساسات یا به‌طور دقیق‌تر، والاترین‌ها و زیبای‌ها.



رمانتیسم در اصل، جنبشی هنری بود که در اواخر قرن هجدهم و نوزدهم در ادبیات و سپس هنرهای تجسمی، ابتدا در انگلستان و سپس کشور آلمان، فرانسه و سراسر اروپا رشد کرد. رمانتیسم تا حدودی بر ضد جامعه‌اش اشرافی و دوران روشنگری «بطور بهتر، عقلانی» بود. گفته می‌شود که ایدئولوژی انقلاب فرانسه و نتیجه‌های آن این طرز فکر را تحت تأثیر خود قرار داد.

رمانتیسم را جنبشی ضد روشنگری می‌دانند. برلین، به خصوص علاقه مند به استفاده از چنین لفظی برای اشاره به این جنبش بود. در حالیکه روشنگری نهضتی فکری به حساب می‌آمد که با علم و منطق و پیشرفت‌های نظام‌های عقلانی بشری در فهم علوم تجربی و انسانی گره خورده بود، متفکرین و هنرمندان رمانتیک، تأکید فرهنگی بر خرد را محدودکننده و سرکوبگر روح آدمی میدانستند.



بر مؤلفه هایی چون هنر، شور، هیجان، تخیل، مضامین معنوی مناسک و نمادها تأکید می کردند. در بین اصحاب رمانتیک امر خاص ارزشمندتر از امر عام بود و خاص بودن فرهنگ های بومی تنوع و تکثر زبان های بشری هویت های محلی و منحصر به فرد بودن آدمیان ستایش میشد.

پایان درس اول